

دانشگاه فرهنگیان  
دوفصلنامه علمی  
نظریه و عمل در تربیت معلمان  
سال هشتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

## اثربخشی روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

علیرضا عصاره<sup>۱</sup>  
روشن احمدی<sup>۲</sup>  
محدثه اسماعیلی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهرستان شهریار انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات از نوع نیمه تجربی از نوع گواه و آزمایش بوده است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل دانش‌آموزان ابتدایی مدرسه مهر شهریار تهران بوده است و نمونه آماری نیز ۳۰ نفر از دانش‌آموزان همین مدرسه بود که در دو گروه ۱۵ نفره (گروه آزمایش و گواه) قرار گرفتند و به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰  
۱. دانشیار برنامه درسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نویسنده مسئول)  
alireza\_assareh@yahoo.com  
۲. استادیار تکنولوژی آموزشی عضو گروه علوم تربیتی و معاون دانشجویی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی  
Ro.ahmadi58@gmail.com  
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی از دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی  
esmaeili.mohaddeseh@yahoo.com

پژوهش پرسشنامه بوده است و از دو پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر و پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کوواریانس و نرم‌افزار SPSS 24 استفاده شد. براساس نتایج پژوهش میانگین متغیر احساس تعلق به مدرسه در گروه آزمایش پس از آزمون بیش از میانگین این متغیر در قبل از اجرا روش یادگیری فعال شد که تفاوت آنها برابر با ۱/۳۴ است. بنابراین فرض «روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان تأثیر دارد» پذیرفته می‌شود. همچنین میانگین متغیر انگیزش تحصیلی در گروه آزمایش پس از آزمون بیش از میانگین این متغیر در قبل از اجرا روش یادگیری فعال شده که تفاوت آنها برابر با ۱/۴۹۵ است. از این رو فرض «روش یادگیری فعال بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد» نیز پذیرفته می‌شود. بنابراین براساس یافته‌های پژوهش، فرضیه‌ها تأیید شد؛ به این معنی که روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** روش یادگیری فعال، احساس تعلق به مدرسه، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان ابتدایی

#### مقدمه

روند حرکت جوامع امروزی در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش با مسائل متعددی روبروست. آموزش و پرورش نهادی است که پایه‌های ضعف و قوت یک جامعه را پی‌ریزی می‌کند. آنچه از نظر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تا زمان حاضر مورد توافق بوده این نکته است که آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری درازمدت است که با سایر نهادهای اجتماعی جامعه ارتباط متقابل دارد. در این بین، از جمله مسائل مهمی که آموزش و پرورش ایران با آن روبروست کاهش انگیزه به تحصیل در بین دانش‌آموزان است (فلاحی، ۱۳۹۴). انگیزش تحصیلی از جمله عوامل مهم و تعیین‌کننده موفقیت در نظام آموزشی است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۰). با وجود اینکه الگوها و نظریه‌های متعددی برای تبیین انگیزش تحصیلی ارائه شده است، امروزه دیدگاه شناختی نسبت به سایر دیدگاه‌ها از حمایت پژوهشی بیشتری برخوردار است. در دیدگاه شناختی فرض بر این است که جنبه‌های شناختی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده انگیزش تحصیلی هستند

(بروس و تاکمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ استوری<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). از سوی دیگر یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد در بین مشکلات دانش‌آموزان، نگرانی از وضعیت تحصیلی و شغلی آینده از اهمیت خاصی برخوردار است. مونه (۱۹۵۰) نیز در طبقه‌بندی خود که از مشکلات نوجوانان به دست داده، به مشکلات تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی آنان اشاره کرده‌است (به نقل از گالوتا و آدامز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

از طرفی کاتالانو<sup>۴</sup> و هاوکینز<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) مدارس را عامل اصلی جامعه‌پذیری<sup>۶</sup> می‌دانند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد برای برخی از دانش‌آموزان، مدرسه محیط خوشایندی نیست. بیشتر مدارس از هنجارها و ارزش‌های طبقه متوسط پیروی می‌کنند و دانش‌آموزانی که از خانواده‌های طبقه پایین وارد مدارس می‌شوند، به دلیل تقویت نشدن ارزش‌های طبقه متوسط در خانواده‌های خود و تحمیل رفتارهای مخصوص طبقه متوسط در مدرسه، دچار تضاد و ناهماهنگی می‌شوند؛ بنابراین احساس تعلق به مدرسه این دانش‌آموزان ضعیف می‌شود (ایس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). دانش‌آموزانی که دلبستگی اندکی به مدرسه دارند، احساس جدایی و بیگانگی می‌کنند و احتمالاً دچار شکست تحصیلی می‌شوند؛ اما وقتی دانش‌آموزان باور پیدا کنند که مدرسه از آنها حمایت می‌کند، بیشتر به مدرسه دلبستگی پیدا کرده و بیشتر در فعالیت‌های مدرسه شرکت و از هنجارها پیروی می‌کنند و به اهداف پیشرفت مدرسه متعهد می‌شوند (کیم<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰)؛ این امر اهمیت احساس تعلق به مدرسه را می‌رساند. هاوکینز (۲۰۱۰) احساس تعلق به مدرسه را دلبستگی، ارتباط عاطفی مثبت، تعهد و سرمایه‌گذاری شخصی نسبت به مدرسه می‌داند.

از نظر گودنوو<sup>۹</sup> (۲۰۰۹) احساس تعلق به مدرسه<sup>۱۰</sup> اشاره به این دارد که

1. Bruce & Tuckman
2. Story
3. Gullotta, & Adams
4. Catalano
5. Hawkins
6. Socialization
7. Eith
8. kim
9. Goodenow
10. School bonding

دانش‌آموزان احساس کنند مورد پذیرش قرار می‌گیرند، به ارزش‌های آنها توجه می‌شود، در فعالیت‌های تحصیلی و کلاسی تشویق می‌شوند و این احساس در آنها ایجاد شود که می‌توانند در فعالیت‌های کلاس سهم باشند و بدانها توجه می‌شود. مادوکس<sup>۱</sup>، پرینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، باتیستیچ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۴) و اولسنر<sup>۴</sup>، لپولد<sup>۵</sup>، گرینبرگ<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) احساس تعلق به مدرسه را شامل مشارکت در مدرسه، تعهد به ارزش‌ها و باور نسبت به مدرسه تعریف کرده‌اند.

بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان عوامل مختلفی تأثیرگذارند که از جمله آنها می‌توان یادگیری فعال را نام برد. حقیقت این است که شیوه‌های آموزش و یادگیری همراه با تحولات آموزشی و روان‌شناسی تربیتی، پیشرفت چشمگیری داشته‌است. آنچه در گذشته مهم تلقی می‌شد، امروز در اغلب موارد اهمیت خود را از دست داده‌است و مسائلی از قبیل انگیزش، نگرش، یادگیری و روش‌های نوین تدریس از عوامل مهم و تأثیرگذار در امر آموزش تلقی می‌شود. پژوهش‌ها، حداقل از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بر این متمرکز شده‌اند که چگونه عوامل شناختی و انگیزشی به صورت تعاملی و مشترک بر موفقیت و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند (لینن برینک و پنتریچ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲).

یادگیری فعال حاصل فعالیت‌های آموزشی است که دانش‌آموزان را در انجام امور و فکرکردن در مورد کاری که آنها انجام می‌دهند درگیر می‌کند و مستلزم این است که دانش‌آموزان مسئول یادگیری خودشان باشند، نه اینکه فقط معلم عهده‌دار این امر باشد (بون ول و ایسون<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱). ساختارگرایان دانش را تابعی از کیفیت ساختن معنا از طریق تجارب فرد می‌دانند. براساس این دیدگاه، واقعیت عینی جهان بیرونی، مستقل از یادگیرنده فرض نمی‌شود و چنین نیست که یادگیرنده از راه یادگیری، نسخه‌ای از این

- 
1. Maddox
  2. Prinz
  3. Battistich
  4. Oelsner
  5. Lippold
  6. Greenberg
  7. Linnenbrink & Pintrich
  8. Bonwell & Eison

جهان را به ذهن خود بسپارد، بلکه فراگیران بر اساس تجارب شخصی خود دانش (مفاهیم، اصول، فرضیه‌ها و...) را می‌سازند و این کار را به‌طور فعال انجام می‌دهند (سیف، ۱۳۹۰). در این راستا، از نظر لابینوویکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) یادگیری فعال دارای این مشخصات است:

۱. دانش‌آموزان در یادگیری نقش فعال دارند.
۲. دانش‌آموزان در یادگیری با یکدیگر مشارکت دارند.
۳. به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود تا بر یادگیری خود، کنترل داشته باشند.
۴. معلم به‌عنوان یاری‌دهنده و تسهیل‌کننده آموزش در فرایند یادگیری عمل می‌کند. به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، ن تنها بهتر یاد می‌گیرند، بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند؛ زیرا آنها به‌جای اینکه تنها شنونده باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند (شاکر و فیشر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). دانش‌آموزانی که از راهبردهای یادگیری استفاده می‌کنند، با کوشش برای موفقیت، لذت بردن از چالش‌های فعالیت، تنظیم کردن اهداف ویژه و نشان دادن سطح بالایی از احساس خودکارآمدی، به پیشرفت تحصیلی چشمگیری دست می‌یابند؛ درحالی که دانش‌آموزانی که کمتر از این راهبردها استفاده می‌کنند؛ یادگیری آنها طوطی‌وار است و فقط با تکرار انجام می‌شود و از آنجا که محل این نوع یادگیری حافظه کوتاه‌مدت است، مطالب یادگرفته‌شده در صورت فقدان کاربرد به‌سرعت فراموش خواهند شد (قبادی و پیری، ۱۳۹۳).

درباره یادگیری فعال، احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تحقیقاتی انجام شده است که به‌صورت خلاصه به نمونه‌ای از آنها پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حسینی و غنی‌زاده (۱۳۹۸) با عنوان بررسی تأثیر یادگیری فعال بر شیوه یادگیری، یادگیری زبان و ذهن‌آگاهی دانش‌آموزان، نشان داد که یادگیری فعال تأثیر مثبت و چشمگیری بر ذهن‌آگاهی و زیربخش‌های آن در گروه آزمایشی داشته و ۳۳ درصد واریانس در ذهن‌آگاهی و زیربخش‌هایش به‌دلیل تأثیر یادگیری فعال است.

1. Labinowicz  
2. Shachar & Fischer

نتایج پژوهش ژاله کریمی و میکائیلی منیع (۱۳۹۷) نیز با عنوان بررسی رابطه رفتارهای آموزشی معلمان با انگیزش تحصیلی و سرزندگی و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول ناحیه ۱ و ۲ ارومیه سال تحصیلی ۹۶-۹۷ حاکی از این است که بین رفتارهای آموزشی معلمان با انگیزش تحصیلی، سرزندگی تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

همچنین میرزابیگی و همکاران (۱۳۹۷) سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام را مقایسه کردند و نشان دادند که در بین دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام در ابعاد تعلق به همسالان، حمایت معلم، عدالت در مدرسه، ارتباط در مدرسه، مشارکت علمی و متغیرهای انگیزه پیشرفت تحصیلی و سرزندگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که متغیر جنسیت، ۱/۲ درصد واریانس تعلق به همسالان، ۲/۱ درصد واریانس حمایت معلم، ۲/۷ درصد واریانس عدالت در مدرسه، ۱/۴ درصد واریانس ارتباط در مدرسه، ۱/۹ درصد واریانس مشارکت علمی، ۴/۷ درصد واریانس انگیزه پیشرفت تحصیلی، ۱/۳ درصد واریانس سرزندگی تحصیلی را تبیین می‌کند و دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر براساس متغیرهای فوق دارای برتری نسبی هستند. نتایج مطالعه حسنی (۱۳۹۷) نیز با عنوان مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس بارش مغزی، تدریس اعضای تیم و روش سنتی بر احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان، اثربخشی و برتری دو روش بارش مغزی و اعضای تیم را بر روش سنتی بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

قربانی ملایی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مطالعه‌ای با عنوان تدریس اثربخش با احساس تعلق به مدرسه و انگیزه پیشرفت در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان ملکان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۹۶ نشان دادند که بین دو مؤلفه روش تدریس معلم و ویژگی‌های فردی با احساس تعلق به مدرسه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین مؤلفه دانش پژوهشی با احساس تعلق به مدرسه رابطه منفی ولی غیرمعناداری وجود دارد، بین مؤلفه دانش پژوهشی با انگیزش پیشرفت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین مؤلفه‌های روش تدریس معلم و ویژگی‌های فردی با انگیزش

پیشرفت رابطه مثبت ولی غیر معنادار وجود دارد، سهم عامل‌های ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان و دانش پژوهشی در تبیین احساس تعلق دانش‌آموزان معنادار هستند و سهم عامل دانش پژوهی در تبیین انگیزش پیشرفت معنادار است. همچنین یافته‌های تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان اثربخشی آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی و نقشه مفهومی فردی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نشان داد آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی و نقشه مفهومی فردی بر بهبود انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. کاربرد نتایج پژوهش‌ها برای معلمان این است که به منظور افزایش انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، باید به نقش عوامل انگیزشی آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی و آموزش به روش نقشه مفهومی فردی توجه شود.

برگونوی و فررا<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان پیشرفت تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در بین دانش‌آموزان مهاجر غیربومی زبان با تأکید بر نقش فاصله زبانی، نشان دادند که ارتباط فاصله زبانی با پیشرفت تحصیلی منفی است. فاصله زبانی با پیشرفت در خواندن ریاضیات و علوم همراه است، اما با احساس تعلق به مدرسه ارتباط ندارد.

فیشر و هانز<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) نیز در تحقیقی با عنوان روش‌های یادگیری معلم‌محور و روش یادگیری دانش‌آموزان فعال بر یادگیری دانش‌آموزان در آموزش عالی نشان دادند که روش‌های آموزشی معلم با افزایش درگیر شدن درک شناختی دانش‌آموزان، علاقه، دستاوردهای یادگیری و توسعه مهارت‌های تحصیلی همراه بوده است؛ در حالی که روش‌های فعال‌سازی دانش‌آموزان منجر به اثرات منفی شده است.

همچنین آنتونیو<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان ترویج شیوه‌های یادگیری تجربی برای بهبود عملکرد تحصیلی، نشان می‌دهد که مشارکت در کارهای مبتنی بر تجربه و شبیه‌سازی‌های مدیریتی، رویکرد مؤثری برای توسعه صلاحیت‌های آنهاست. بنابراین، ممکن است نتیجه‌گیری کنیم که پرورش استراتژی‌های یادگیری

---

1. Borgonovi. & Ferrara  
 2 . Fischer & Hänze  
 3. Antonio

تجربی به درک دانش‌آموزان از مفاهیم نظری کمک می‌کند و به دستیابی به عملکرد برتر منجر می‌شود.

براساس مطالعات شکل‌گرفته و باتوجه به اینکه پژوهش‌های محدودی مرتبط با احساس تعلق به مدرسه، انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان و روش یادگیری فعال بررسی شده‌است و از طرفی هیچ‌کدام نیز هر سه متغیر را با هم مطالعه نکرده‌اند؛ لذا شکاف تحقیقاتی در این حوزه احساس می‌شود.

بنابراین انجام پژوهشی با عنوان تعیین اثربخشی روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد. ازاین‌رو سؤال اصلی پژوهش این است که آیا روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد یا خیر؟

باتوجه به عنوان پژوهش و مبانی مطرح شده فرضیه‌های زیر برای آن مطرح شد:

#### فرضیه اصلی

روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

#### فرضیه‌های فرعی

روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان تأثیر دارد.

روش یادگیری فعال بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

#### روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات از نوع نیمه‌تجربی از نوع گواه و آزمایش بود. در این پژوهش روش‌های فعال تدریس شامل یک روش مشارکتی، گروهی، پرسش و پاسخ استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق شامل دانش‌آموزان ابتدایی مدرسه مهر شهریار تهران بوده‌است. نمونه آماری این پژوهش نیز شامل ۳۰ نفر از دانش‌آموزان همین مدرسه است که در دو گروه ۱۵ نفره (گروه آزمایش و گواه) تقسیم شدند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود و از دو پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه‌های استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر،



پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه (رضایی شریف و همکاران، ۱۳۹۳) که در زیر شرح داده شده‌اند، با زبانی ساده‌تر و قابل فهم برای دانش‌آموزان سوم دبستان تهیه و استفاده شد.

پرسشنامه انگیزش تحصیلی برگرفته از پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی هارتر است که تعداد ۱۱ سؤال آن به زبانی قابل فهم و روان برای دانش‌آموزان سوم دبستان اصلاح شد. این پرسشنامه اصلاح شده شامل ۲ مؤلفه انگیزش درونی و بیرونی و ۱۱ سؤال است که در این پژوهش میزان افزایش انگیزه به یادگیری درس می‌سنجد و به عنوان یک ابزار سنجش انگیزش تحصیلی است. همان‌گونه که بیان شد این مقیاس، انگیزش تحصیلی را با سؤال‌های دوقطبی می‌سنجد که یک قطب آن انگیزش درونی (علاقه درونی به درس) و قطب دیگر انگیزش بیرونی (رضایت معلم و دیگران) است و پاسخ آزمودنی به موضوع هر سؤال فقط می‌تواند یکی از دلایل بیرونی یا درونی را دربر داشته باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت چهارگزینه‌ای (کاملاً درست: ۴ تا کاملاً نادرست: ۱) است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات استادان راهنما و مشاور، به دقت ارزیابی و تأیید شده است. پایایی این پرسشنامه نیز با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمده است.

پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه برگرفته از پرسشنامه استاندارد احساس تعلق به مدرسه (رضایی شریف و همکاران، ۱۳۹۳) است که تعداد ۱۹ سؤال آن به زبانی قابل فهم و روان برای دانش‌آموزان سوم دبستان اصلاح شد. این پرسشنامه اصلاح شده، شامل ۵ مؤلفه و ۱۹ سؤال است و ابزاری برای سنجش برای حس تعلق به مدرسه است. برای بررسی نرمال بودن توزیع جامعه آماری از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و همچنین از آزمون کوواریانس، استفاده شد و کلیه عملیات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ انجام شد.

در روش اجرای پژوهش، قبل از اجرای روش یادگیری فعال، پرسشنامه‌های انگیزش تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه بر روی گروه آزمایش به عنوان پیش‌آزمون و گواه تکمیل شد، تعداد جلسات اجرای روش یادگیری فعال ۱۰ جلسه برای درس مطالعات اجتماعی بود، سپس برای اجرای تحقیق از دانش‌آموزان دو کلاس استفاده شد؛ بدین صورت که یک کلاس به عنوان گروه گواه به شکل یادگیری سنتی و کلاس

دیگر به شکل یادگیری فعال به عنوان گروه آزمایش انتخاب شدند. ابتدا دانش آموزان گروه آزمایش در سه گروه ۵ نفره به صورت تصادفی با سطوح مختلف پیشرفت تقسیم شدند و پس از تدریس، دبیر مربوطه که قبلاً محقق وی را راهنمایی کرده، در هر جلسه گروه‌های یادگیری تشکیل داده و دانش آموزان با همدیگر در امر مطالعه پس از هر درس جدید تشریح مساعی نموده است و از طریق همیاری و بحث گروهی مطالب به هم آموزش دادند. در پایان اجرای جلسات، پرسشنامه‌های انگیزش تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه به عنوان پس‌آزمون بر روی گروه آزمایش دوباره اجرا شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها آزمون فرضیه‌ها بر اساس آزمون تی زوجی و نرم‌افزار 24 SPSS انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

در قسمت یافته‌های پژوهش، در ابتدا آمار توصیفی بیان شده است:

آمار توصیفی جمعیت‌شناختی: بر اساس یافته‌های پژوهش: ۴۷ درصد دانش آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش در منازل شخصی و ۵۳ درصد نیز در منازل اجاره‌ای ساکن بودند. همچنین بیشتر پدران و مادران این دانش آموزان دارای سطح تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. علاوه بر این بیشتر افرادی که در این پژوهش حضور داشته‌اند در خانواده‌های ۳ تا ۶ نفری حضور دارند؛ به طوری که ۸۰ درصد این افراد با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند و ۲۰ درصد دیگر پدر یا مادر را در کنار خود ندارند؛ به دلایلی چون طلاق والدین یا مواردی به جز فوت شدن والدین یا حضور آنها در زندان. جدای از این موارد، ۱۷ درصد خانواده‌های این دانش آموزها در وضعیت مالی ضعیف، ۵۷ درصد آنها در وضعیت مالی متوسط و ۲۶ درصد نیز در وضعیت مالی مطلوب قرار دارند.

آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش: در این بخش، قبل از پرداختن به فرضیه‌های پژوهش، به بیان وضعیت شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی متغیرهای پژوهش شامل مقادیر کمینه، بیشینه، میانگین و واریانس می‌پردازیم. میانگین از جمله شاخص‌های مرکزی هر متغیر است که نشان‌دهنده مرکز تجمع و ثقل مقدار متغیر است. همچنین بیشینه و کمینه هر متغیر، بیشترین و کمترین عدد متغیر در نمونه هستند. واریانس نیز نشان‌دهنده پراکنندگی متغیر حول میانگین است. این نتایج برای

متغیرهای پژوهش پیش رو در قبل و بعد از اجرای روش یادگیری فعال در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش پژوهش	حجم نمونه	کمینه	بیشینه	میانگین	واریانس
گروه کنترل					
احساس تعلق به مدرسه	۱۵	۱/۹۰	۲/۰۱	۱/۹۵	۰/۰۰۱
انگیزش تحصیلی	۱۵	۱/۷۶	۲/۱۵	۲/۰۱	۰/۰۱۰
گروه آزمون (قبل از اجرای روش یادگیری فعال)					
احساس تعلق به مدرسه	۱۵	۱/۷۸	۲/۲۴	۲/۰۳	۰/۰۱۴
انگیزش تحصیلی	۱۵	۱/۸۳	۲/۵۶	۲/۱۶	۰/۰۴۵
گروه آزمون (پس از اجرای روش یادگیری فعال)					
احساس تعلق به مدرسه	۱۵	۳/۱۳	۳/۶۳	۳/۳۸	۰/۰۲۴
انگیزش تحصیلی	۱۵	۳/۳۱	۳/۸۷	۳/۶۵	۰/۰۲۰

همان‌گونه که از این جدول مشخص است، مقادیر میانگین متغیر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی در بین دانش‌آموزها پس از اجرای روش یادگیری فعال افزایش یافته است که این می‌تواند به دلیل تأثیر این روش یادگیری باشد. هرچند در بخش آمار استنباطی به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود. در قسمت پایانی یافته‌ها، آمار استنباطی که نتایج فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد، بررسی شده است:

#### بررسی فرضیه‌های پژوهش در مقاله حاضر

**فرضیه اصلی:** روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

باتوجه به متن این فرضیه، ابتدا باید فرضیه‌های فرعی بررسی شود تا بتوان در مورد پذیرش یا رد این فرضیه سخن گفت.

**فرضیه‌های فرعی اول:** روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان تأثیر دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون کوواریانس استفاده شده است. بنابراین ابتدا باید فرض همگنی واریانس‌ها برقرار شود. این فرض با استفاده از آزمون لوین انجام می‌شود. نتایج در جدول (۲) ارائه شده است و از آنجا که سطح معناداری آزمون لوین برابر با ۰/۳۸۱ شده که بیش از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است.

جدول (۲): آزمون لوین برای فرضیه اول

آماره لوین	درجه آزادی دوم	درجه آزادی اول	سطح معناداری
۰/۷۹۱	۲۸	۱	۰/۳۸۱

در اینجا جا دارد پیش فرض همگنی شیب رگرسیونی نیز بررسی شود؛ در قسمت گروه\* احساس تعلق جدول (۳)، آماره آزمون F، ۱/۶۵۴ و سطح معناداری آن نیز ۰/۲۴۵ شده که بیش از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیونی نیز برقرار است.

جدول (۳): آنالیز کوواریانس فرضیه فرعی اول

منبع تغییرات	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
مدل تصحیح شده	۳	۹۶/۱۴۱	۰/۰۰۰
اثر ثابت	۱	۲۸/۱۴۵	۰/۰۰۰
احساس تعلق	۱	۰/۰۴۲	۰/۵۴۱
گروه	۱	۸/۷۱۴	۰/۰۱۱
گروه* احساس تعلق	۱	۱/۶۵۴	۰/۲۴۵
خطا	۲۶	—	—
کل	۳۰	—	—

باتوجه به آماره F سطر گروه جدول بالا و سطح معناداری آن که به ترتیب برابر با ۸/۷۱۴ و ۰/۰۱۱ شده است، نتیجه می‌گیریم که اختلاف معناداری بین میانگین احساس تعلق به مدرسه در بین دانش‌آموزان قبل و بعد از اجرای روش یادگیری فعال وجود دارد؛ زیرا مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین فرض «روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان تأثیر دارد» پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که در بخش آمار توصیفی نیز گزارش شد، میانگین متغیر احساس تعلق به

مدرسه در گروه آزمایش پس از آزمون بیش از میانگین این متغیر در قبل از اجرا روش یادگیری فعال شده که تفاوت آنها برابر با  $1/34$  است. بنابراین به کارگیری روش یادگیری فعال موجب شده است تا احساس تعلق به مدرسه در دانش آموزان به طور معناداری بیشتر شود.

فرضیه فرعی دوم: روش یادگیری فعال بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد. در اینجا نیز لازم است قبل از پرداختن به بررسی این فرضیه، فرض همگنی واریانس‌ها برقرار شود. این فرض با استفاده از آزمون لوین انجام می‌شود. نتایج در جدول (۴) ارائه شده است و از آنجا که سطح معناداری آزمون لوین بیش از  $0/05$  شده ( $0/084$ )، فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است.

جدول (۴): آزمون لوین برای فرضیه دوم

سطح معناداری	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	آماره لوین
$0/084$	۱	۲۸	$0/748$

در اینجا نیز باید پیش فرض همگنی شیب رگرسیونی نیز بررسی شود؛ در قسمت گروه انگیزش تحصیلی جدول (۵)، آماره آزمون F،  $1/474$  و سطح معناداری آن نیز  $0/185$  شده که بیش از  $0/05$  است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیونی برقرار است.

باتوجه به آماره F سطر گروه جدول (۵) و سطح معناداری آن که به ترتیب برابر با  $9/334$  و  $0/001$  شده است، نتیجه می‌گیریم که اختلاف معناداری بین میانگین انگیزش تحصیلی در بین دانش آموزان قبل و بعد از اجرای روش یادگیری فعال وجود دارد؛ زیرا مقدار معناداری کمتر از  $0/05$  شده است. بنابراین فرض «روش یادگیری فعال بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد» پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که در بخش آمار توصیفی نیز گزارش شد، میانگین متغیر انگیزش تحصیلی در گروه آزمایش پس از آزمون بیش از میانگین این متغیر در قبل از اجرا روش یادگیری فعال شده که تفاوت آنها برابر با  $1/495$  است. بنابراین به کارگیری روش یادگیری فعال موجب شده است تا انگیزش تحصیلی دانش در دانش آموزان به طور معناداری بیشتر شود.

جدول (۵): آنالیز کوواریانس فرضیه دوم

منبع تغییرات	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری
مدل تصحیح شده	۳	۸۳/۰۵۲	۰/۰۰۵
اثر ثابت	۱	۲۴/۴۰۸	۰/۰۰۰
انگیزش تحصیلی	۱	۰/۰۸۲	۰/۳۱۴
گروه	۱	۹/۳۳۴	۰/۰۰۱
گروه* انگیزش تحصیلی	۱	۱/۴۷۴	۰/۱۸۵
خطا	۲۶		
کل	۳۰		

بنابراین هر دو فرضیه فرعی این پژوهش پذیرفته می‌شود. در نتیجه فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر «روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد» پذیرفته می‌شود و از روش یادگیری فعال می‌توان برای ارتقای انگیزش تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در بین دانش‌آموزان بهره برد.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه‌های این پژوهش به بررسی تأثیرگذاری و اثربخشی روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان شهریار استان تهران پرداخته است که براساس آنچه که در این پژوهش گذشت و با استفاده از آزمون کوواریانس لوین، نتایج زیر حاصل شد:

(۱) روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان تأثیر دارد، نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش قربانی ملایی و همکاران (۱۳۹۶)؛ ژاله کریمی و میکائیلی منیع (۱۳۹۷) و حسنی (۱۳۹۷) همسوست.

شواهدی قوی از ارزشمند بودن یادگیری فعال برای دانش‌آموزان و معلمان، حمایت می‌کند. این شواهد برگرفته از مطالعاتی است که تأثیر روش‌های تدریس و یادگیری فعال نظیر حل مسئله، بحث گروهی، پروژه گروهی و یادگیری مشارکتی و ... را بر روی دانش‌آموزان بررسی کرده‌اند (معرفت‌نیا، ۱۳۸۹) و اصطلاح تعلق به مدرسه به باور دانش‌آموزان در مراقبت از یادگیری شان و خودشان به‌عنوان افراد آن مدرسه است. با روش یادگیری فعال دانش‌آموزان نه تنها حقایق علمی را فرا می‌گیرند، بلکه با روش‌های علمی

کسب معرفت نیز آشنا خواهند شد، طرز کار با منابع مختلف، استفاده از مطالب درسی برای حل مسئله را خواهند آموخت و در فرایند یادگیری، ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهند گرفت و از این طریق احساس تعلق آنها به مدرسه نیز بهبود می یابد (شعبانی، ۱۳۸۹). به طوری که احساس تعلق به رسیدن دانش آموز به پیامد ویژگی های مثبت و احساس عمومی بهزیستی منجر می شود (مک گیبونی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

۲) روش یادگیری فعال بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد؛ نتیجه این فرضیه با نتایج مطالعه قربانی ملایی و همکاران (۱۳۹۶)؛ آنتونیو و همکاران (۲۰۱۹) و محمدی و همکاران (۱۳۹۴) و فیشر و هانز (۲۰۱۹) هم راستاست.

دسی و ریان<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) انگیزش تحصیلی را تمایل یادگیرنده به مشغول و درگیر شدن در فعالیت یادگیری و تلاش مستمر در انجام دادن و به پایان رساندن آن فعالیت می دانند و عامل مؤثر در یادگیری و پیشرفت تحصیلی فراگیران می دانند. پژوهش ها نشان داده است که انگیزش دانش آموزان با یادگیری ارتباط بیشتری در مقایسه با هوش دارد. همچنین درباره تأثیر انگیزش بر یادگیری، پژوهش ها نشان می دهد که یادگیری قوی و فعال به انگیزش قوی و یادگیری کم به انگیزش کم می انجامد (سیف، ۱۳۹۰). دانش آموز بی انگیزه نه تنها رغبتی به درس خواندن و یادگیری نشان نمی دهد، بلکه با بی توجهی خود چه بسا برای کارکردن دانش آموزان دیگر در کلاس نیز مزاحمت ایجاد می کند. در این مورد ضرب المثل انگلیسی وجود دارد که می گوید: «شما می توانید اسبی را که تشنه است تا کنار آب بکشانید، اما نمی توانید به نوشیدن آب وادارش کنید». مسئله انگیزش در دانش آموزان نیز همین گونه است؛ یعنی ما باید دانش آموزان را تشنه یادگیری کنیم؛ زیرا با این کار او خود به دنبال یادگیری خواهد رفت (مهدوی حاجی، ۱۳۸۹). نکته مهم این است که انگیزش با یادگیری و عملکرد رابطه متقابل دارند. یعنی یادگیری بر انگیزش و عملکرد تأثیر می گذارد و آنچه دانش آموزان انجام می دهند و یاد می گیرند بر انگیزش آنان اثر می گذارد (ولی پور، بالویی و سقایی، ۱۳۹۲).

بنابراین به طور کلی روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد که این اثرگذاری مثبت بوده و موجب افزایش میزان

1. Mc Gibony

2. Deci, & Ruan

احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی در بین دانش‌آموزهای ابتدائی شهرستان شهریار استان تهران شده است. نتیجه این فرضیه با نتایج میرزابیگی و همکاران (۱۳۹۷) همسوست.

از این رو تشویق و واداشتن دانش‌آموزان به فعالیت‌های درسی همراه با استفاده از نظرات و تفکرات خود دانش‌آموزان، تمرکز بر دانش‌آموز به منظور استفاده از دانش خویش و تحریک سطوح بالای فکری دانش‌آموزان از سوی آموزگار، دخیل ساختن دانش‌آموزان در فرایند آموزش و همچنین ایجاد بستری برای فراگیری اعضای گروه از همدیگر با هدف نیل به سطوح بالاتر فرایندهای ذهنی و افزایش احساسات مثبت نسبت به دیگر فراگیران موجب خواهد شد تا انگیزه و تمایل دانش‌آموزان در تحصیل علم و دانش بیش از پیش شود. علاوه بر این وقتی یادگیری مبتنی بر حل مسائل به صورت بحث و بررسی گروهی و یادگیری مشارکتی باشد و ابتکار و خلاقیت آنها اهمیت داشته باشد، طرز کار با منابع مختلف را بیاموزند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت داشته باشند و در واقع مسئول یادگیری خویش و حتی گروه خود باشند و موجب می‌شود تا از یادگیری لذت بیشتری ببرند و به محیط آموزشی خود یعنی مدارس تعلق و دلبستگی بیشتری داشته باشند؛ زیرا در چنین شرایطی آنان حس مسئولیت داشتن در مدرسه را در خود احساس می‌کنند. در این شرایط آنها دیگر شنونده صرف نیستند و مسئول یادگیری خویش هستند. همچنین تعامل‌های علمی، عاطفی و اجتماعی رخ داده در این نوع یادگیری، علاوه بر کسب اطلاعات و مهارت‌ها، بر فرایند تفکر و اهداف اجتماعی دانش‌آموزان نیز مؤثر است و در واقع یک تعامل دو طرفه بین دانش‌آموزان و معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر وجود خواهد آمد که سرزندگی، انگیزش و تعهد به ارزش‌ها و باورداشتن مدرسه در این افراد را تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد. در این شرایط است که فرصت تعامل در دانش‌آموزها به بیشترین حد خود می‌رسد و دانش‌آموزان با مشارکت در کارهای گروهی قادر به بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های خود می‌شوند، تعامل بین فراگیران در گروه‌های کوچک آنها را به افرادی فعال و خبره‌تر تبدیل می‌کند و در نتیجه انگیزش تحصیلی این افراد ارتقا می‌یابد. باتوجه به اینکه هدف از یادگیری فعال، نیل به لذت درونی حاصل از یادگیری است، شور و انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزها افزایش خواهد یافت و به این ترتیب تفکر منطقی جایگزین تفکر سطحی و طوطی‌وار می‌شود.



در راستای نتایج به دست آمده از این پژوهش، برای برنامه ریزان، مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین آنها از شیوه یادگیری فعال به منظور افزایش احساس دلبستگی و تعلق به مدرسه و همچنین بهبود انگیزش تحصیلی دانش آموزان در نظام آموزشی دوره متوسطه پیشنهادهایی کاربردی ارائه می شود:

- با توجه به تأثیر مثبت روش یادگیری فعال بر احساس تعلق به مدرسه و انگیزش تحصیلی دانش آموزان، پیشنهاد می شود که در دوره های آموزشی ضمن خدمت آموزگاران و سایر کارگاه های آموزشی روش یادگیری فعال به آموزگاران آموزش داده شود؛

- برگزاری جلسات با اولیا به منظور آشناساختن آنها با روش یادگیری فعال به جای روش سنتی و مزایای موجود در این روش نوین یادگیری؛

- توجه مدیران و معاونان به ایجاد رابطه عاطفی و دلبستگی بین دانش آموزان با آموزگاران به منظور مشارکت بیشتر و منسجم تر در فعالیت های علمی و شکل گیری تعلق بیشتر به محیط مدرسه در بین دانش آموزان؛

- تخصیص بخشی از فرایند تدریس و آموزش به دانش آموزان از سوی آموزگاران؛

- تجهیز مدارس در زمینه کارگاه ها و آزمایشگاه و مهیا بودن اینترنت برای استفاده از منابع اطلاعاتی به جز منابع اطلاعاتی سنتی؛

- تشویق دانش آموزان به شرکت در بحث های درسی گروهی و پرسش و پاسخ بین آموزگاران و دانش آموزان در رابطه با اطلاعات تکمیلی در زمینه های درسی به منظور ایجاد انگیزش تحصیلی در بین دانش آموزان؛

- ایجاد گروه های چند نفره در کلاس درس با هدف افزایش مشارکت هر دانش آموز در زمینه گردآوری اطلاعات محوله؛

- ایجاد بسترهای لازم برای آوری دانش آموزان به مشارکت در فعالیت های و جشنواره های علمی سراسری.

## منابع

- آقایی، اصغر؛ جلالی، داریوش؛ نظری، فرحناز (۱۳۹۰). «تأثیر مشاوره شغلی گروهی به روش یادگیری کرومبولتز بر انگیزش پیشرفت، انگیزش تحصیلی، نگرانی‌های آینده تحصیلی- شغلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان». *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۳(۲: ۶۱/۲)، ۱-۲۶.
- حسینی، مهدی (۱۳۹۷). «مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس بارش مغزی، تدریس اعضای تیم و روش سنتی بر احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان»، *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۲: ۶۹-۸۷.
- حسینی، ریحانه‌سادات؛ غنی زاده، افسانه (۱۳۹۸). بررسی تأثیر یادگیری فعال بر شیوه یادگیری، یادگیری زبان و ذهن‌آگاهی دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، پردیس رضوان.
- ژاله کریمی، رقیه؛ میکائیلی منیع، فرزانه (۱۳۹۷). بررسی رابطه رفتارهای آموزشی معلمان با انگیزش تحصیلی و سرزندگی و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول ناحیه ۱ و ۲ ارومیه سال تحصیلی ۹۷-۹۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران، ویرایش ششم.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۹)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی: (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران: سمت.
- فلاحی، مریم (۱۳۹۴)، مقایسه مهارت‌های اجتماعی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان تکنولوژی آموزشی نظام آموزش حضوری و الکترونیکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قبادی، لیلا؛ پیری، موسی (۱۳۹۳)، تفاوت عملکرد تحصیلی در نیمرخ‌های یادگیری فعال و باورهای انگیزشی دانش‌آموزان، *مجله مطالعات آموزش و یادگیری* (مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)، ۶(۱: ۲)، ۶۶-۱۱۲.
- قربانی ملایی، یوسف؛ خسروی، محبوبه؛ ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۶)، رابطه تدریس اثربخش با احساس تعلق به مدرسه و انگیزه پیشرفت در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان ملکان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

محمدی، آرزو؛ یارمحمدی واصل، مسیب؛ کرد نوقابی، رسول؛ جمشیدی مقدم، محمد (۱۳۹۴). اثر بخشی آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی و نقشه مفهومی فردی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه فناوری آموزش و یادگیری، ۲، ۱۳۹-۱۵۸.

معرفت نیا، قربان (۱۳۸۹). تأثیر روش های فعال و سنتی تدریس و نوع یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه دوم هنرستان در درس مبانی برق با تأکید بر بازده های یادگیری گانه در شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۸۳-۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.

میرزاییگی، احمد؛ بختیارپور، سعید؛ افتخار صغادی، زهرا؛ مکوندی، بهنام؛ پاشا، رضا (۱۳۹۷). مقایسه سرزندگی تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، انگیزه پیشرفت تحصیلی در بین دانش آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه دوم شهر ایلام، پژوهش در نظام های آموزشی، ویژه نامه، ۱۰۸۵-۱۰۱۴.

ولی پور، احمد؛ بالویی، عزت اله؛ سقایی، سحر (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر میزان رضایت از زندگی دانش آموزان، تحقیقات مدیریت آموزشی، سال چهارم، ۴، ۱۰۵-۸۱.

Antonio L. Leal-Rodríguez. L & Albort-Morant. G, 2019. Promoting innovative experiential learning practices to improve academic performance: Empirical evidence from a Spanish Business School, Journal of Innovation & Knowledge, Volume 4, Issue 2, April-June 2019, Pages 97-103.

Bonwell, C. C. , & Eison, J. A. (1991). ( Active learning: Creating excitement in the classroom). Available at: [www.ericdigests.org/1992-4/active.htm](http://www.ericdigests.org/1992-4/active.htm) .

Borgonovi. F & Ferrara. A, 2020, Academic achievement and sense of belonging among non-native-speaking immigrant students: The role of linguistic distance, Learning and Individual Differences, Volume 81, July 2020, 101911.

Bruce, W. & Tuckman, B. (1999). A tripartite model of motivation for achievement: attitude, drive and strategy. Present in the symposium: Motivational factors affecting student achievement, APA, Boston, August .

Catalano, R. & Hawkins, D. (2006). The social development model: A theory of antisocial behavior. In D. Hawkins (Ed. ), Delinquency and crime: Current theories (pp. 71-24-).Cambridge, UK: Cambridge University Press .

- Deci, E. L. , & Ruan, J. M. (2000). The » What« And »Why« Of goal Pursuits: Human Needs and The Self – determination of behavior . *Psychological inquiry*, 11, 227.
- Eith, C, A (2005). *Delinquency, schools, and the social bond*. New York: LFB .
- Fischer. E & Hänze. M, 2019. Back from “guide on the side” to “sage on the stage”? Effects of teacher-guided and student-activating teaching methods on student learning in higher education, *International Journal of Educational Research*, Volume 95, 2019, Pages 26-35 .
- Goodenow, J. (2009). *Assessment of school bonding in elementary school students*. Submitted in Partial Fulfillment of The Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy. University of South Carolina .
- Gullotta, T. P. & Adams, G. R. (2005). *Handbook of adolescent behavioral problems: evidence – based approaches to prevention and treatment*. Springer Science Publishing .
- Hawkins, D. (2010). *Causes of delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press .
- Kim, S. (2000). *The effects of parent bonding, school bonding, belief on the structure of problem behaviors in elementary school- age children*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, university of Washington .
- Labinowicz, L. (2004). (What is active learning). Available at: <http://www.education.nsala.edu/vivalry/what.htm> .
- Linnenbrink, E. A. , & Pintrich, P. R. (2002). Motivation as an enabler for academic success. *School Psychology Review*, 31(3), 313-327 .
- Maddox, s. J. & Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, Assessment, and Associated Variables. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 2 (20), 80- 66.
- Mc Gibony, G. W. (2016). *(The Psychology of school climate, England, Newcastle: Cambridge Scholars Publishing)*. Avialable on: <https://books.google.com/books?isbn=1443896683>
- Oelsner, J, Lippold, Melissa A. & Greenberg, Mark, T. (2014). Factors influencing the development of school bonding among middle school students. *The Journal of Early Adolescence*. XX(X)
- Story, P. A. , Hart, J. W. , Stasson, M. F. & Mahoney, J. M. (2009). Using a two – factor theory of achievement motivation to examine performance based outcomes and self – regulatory processes. *Journal of Personality and Individual differences*, 46(4), 391-395 .